

گفت و گوی صبا با عوامل نمایش «در انتظار گودو»

سوناتی گوش نواز از فلسفه انتظار

این روزها بواسطه چند اجرای همزمان نام نمایشنامه در انتظار گودو را زیاد می شنویم. این نمایشنامه که از مهمترین و پر سروصداترین نمایشنامه‌های ساموئل بکت است، این بار توسط علیرضا حاجی بابایی و گروه جوانش با رویکردی جسورانه به روی صحنه رفته و در تالار اصلی مولوی با مخاطبانش دیدار می کند. در ادامه گفتگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

الهه لاری:

چيست که یک انسان را همواره منتظر نگه می دارد؟

موسیقی بخش مهمی از این اثر است که این بخش مهم بیشتر به عهده شماسست لطفا در این مورد بگویید؟

حوزه تخصصی من موسیقی است. از پنج سالگی موسیقی را شروع کردم و از ۶ سالگی هم ویولن به عنوان ساز اصلی در کنارم بوده و هست. از آنجایی که موسیقی را تدریس می کنم و قضیه موسیقی برایم بسیار جاذبه است این تجربه در زمینه داد که توانستم در برخی انجام بدهم که خواندن، رقصیدن و ساز زدن را کنار هم به جا بیاورم. من ۴ سال پیش وارد حوزه تئاتر شدم و با تمرینات بدن و بیان، آماده سازی های صدایم را شکل گرفتم. ورود من به تئاتر هم از طریق موسیقی بود، من با نمایش «زن» اثر مهیار احمدی وارد تئاتر شدم در آن اثر به عنوان یک نوازنده ایفای نقش می کردم.

در این نمایش شما بعد آثمیای شخصیت ولادیمیر را بازی می کنید آیا شما تلاش داشتید که مخاطب هم شما را صرفاً به عنوان یک بعد از شخصیت ولادیمیر ارزیابی کند؟
حقیقتاً مطالعات و مسائلی که آقای بابایی ما را با آنها آشنا کردند و آگاهی که نسبت به هر کاراکتر به ما دادند برای نزدیک شدن ما به کاراکترها بسیار کمک کننده بود. من ابتدا اصلاً درک درست و ایده ای از اینکه چطور باید یک نقش سورئال را بازی کنم که نشان دهنده بعد درونی یک شخص باشد را نداشتم. واقعا در طول این ۲ سال و نیم که با آقای بابایی همراه بودیم چالش زیادی داشتیم بر سر تحقیق در این موارد و کندوکاو به روی شخصیت های خودمان تا آنچه که در درون است را بهتر بشناسیم و نمود بیرونی آن را هم همینطور. بدین شکل بود که همه رفتارها بمان و اتفاقاتی که در زندگی مان می افتاد زیر

علی طیبی:

عاشقان دیوانه ای که سرراه هم قرار گرفتند

آشنایی شما با تئاتر و ورودتان به عرصه نمایش به چه شکل بود؟

من از طریق موسسه جهان نما وارد تئاتر شدم. یک سال و نیم دوره دیدم و بعد کم کم وارد تئاتر شدم. کارگردانی می کردم و می نوشتم بعد مسیرم را تغییر دادم و به سمت بازیگری آمدم. در حال حاضر هم سال آخر دوره کارشناسی بازیگری هستم. در این بین فیلم هم می ساختم، کارگردانی و بازیگری هم انجام می دادم. ولی بیشتر تمرکز روی مقوله بازیگری است. در هر مقوله ای که ورود کنم در واقع شوق بازیگری است که مرا به آن ورطه می کشاند و از همه آنها برای پیشرفت دادن شغل بازیگری ام استفاده می کنم. من با نمایشی به نام «مراسم قطع دست در اسپوکن» اثر مارتین مک دونا همکاری می کردم که خیلی تصادفی در کانال تلگرام به بک آگهی برای جذب بازیگر بر خورد کردم و برای اولین بار رفتم تا تستی در زمینه بازیگری بدهم. مکان تست هم تالار محراب بود. آقای بابایی می گویند که در اولین برخورد برای نقش انتخاب کردند. یعنی قبل آنکه از من تست بگیرند. همکاری ما از همان جا آغاز شد و در ابتدا نقش لاکه برای من در نظر گرفته شده بود، بعد طبق پروسه های نقش ولادیمیر را به من دادند و در این میان همسرم هم وارد گروه شد. در این نمایش هر دوی ما نقش ولادیمیر را بازی می کنیم.

در این اثر تغییراتی هم در حالت فرم و هم در حالت محتوایی ایجاد شده. این مسائل چه چالشی برای شما به عنوان یک بازیگر ایجاد کرد و چگونه به این نقش نزدیک شدید؟

ما دو سال و نیم روی این اثر کار کردیم، من تمام تلاشم را روی صحنه می کنم تا آنچه را که نشان می دهم و اجرا می کنم زندگی کنم. در این بازه زمانی تمرین های سخت و مداومی که داشتیم باعث شد تا ما به یک ادراک عمیق از نقش ها برسیم. ما برای کاراکترها به نوعی شخصیت پردازی کردیم. کاراکتری که

فرهاد قائمی مهدوی:

از دکوری عظیم تا کنده درخت

به عنوان مدیر اجرایی پروژه کمی در مورد چگونگی روند شکل گیری این نمایش بگویید.

این نمایش حدود چهار سال پیش استارت خورد، البته سر کار دیگری با آقای بابایی و آقای زنجانی آشنا شده بودم و می دانستم که متن در انتظار گودو برای آقای بابایی دغدغه شده است. در انتظار گودو اثر سنگینی بود اما من پس از شنیدن طرح هایی که در ذهن کارگردان بود، مجاب شدم که با این گروه همکاری کنم. آقای بابایی جوان خوش فکری است البته ایده های ایشان در ابتدا کمی متفاوت و از نظر اجرایی پیچیده بود که در حین کار به تعادل رسید و ایده های جذاب تری که در اجرا می بینید از دل آنها بوجود آمد. پیشنهاد من به ایشان این بود که بیشتر به سمت ساده کردن بروند، مخصوص در زمینه دکور که نظر اولیه ایشان روی یک دکور عظیم بود که باید سازه های در فضای آزاد می بود که در نهایت به دو کنده درخت رسید. مهمترین علتی که باعث شد من در کنار اثر بمانم روند رو به رشدی بود که ایده ها و نظریات در شکل های اجرایی داشت. من مدام تاکید می کردم که هیچ عجله ای نداشته باشند و اجازه بدهند که اجرا به جایی برسد که بتوانند پشت آن بایستند. مخصوص برای یک کارگردان کار اولی که امضای اولش در کارنامه حرفه ای او بسیار تاثیر گذار است. خوشبختانه اثر به نتیجه مقبولی رسیده و تاثیر حمایت های آقای زنجانی چه در بخش بازیگردانی و هدایت بازیگران و باقی امور غیر قابل انکار است. دوستانی مانند آقای رضا فیاضی، تورج فرامرزیان، احمد معمار و سعید صدیقیان که همه تئاتری، کاربلد و سخت پسندند اثر را دیدند و خوشبختانه مورد قبول و پسندشان بود.

